

بسمه تعالی

چرخه قدرت سیاسی و صورت دولتها در ایران پس از انقلاب اسلامی

از: دکتر محمدرضا حافظ نیا

استاد جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک دانشگاه تربیت مدرس

تاریخ سیاسی پس از انقلاب اسلامی نشان داده است که چرخه قدرت در ایران در حدود ۶ تا ۸ سال است. یعنی هر جریان سیاسی که از طریق انتخابات ریاست جمهوری و یا مجلس شورای اسلامی قدرت سیاسی و تسلط بر ارکان قدرت را در ایران به دست گرفته است بعد از شش تا هشت سال بهر دلیلی، نظیر محدودیت قانونی و یا کاهش و سقوط مقبولیت عمومی جای خود را به جریان سیاسی دیگری که عمدتاً جزو رقبای قدرت حاکم بوده سپرده است.

در شکل رسمی و قانونی، زمانی که یک رئیس جمهور ۴ سال کنترل دولت را در دست دارد، شبکه‌ای از روابط قدرت و وفاداری‌ها را در ساختار حکومت ایجاد می‌کند. این شبکه روابط قدرت که متضمن شبکه وفاداری‌هاست، رئیس‌جمهور را تشویق و امیدوار به ادامه ریاست جمهوری و پیروزی در انتخابات بعدی برای ۴ سال دیگر می‌کند. تا این مرحله هنوز مقبولیت و یا مشروعیت جریان سیاسی حاکم سقوط نمی‌کند. بنابراین در انتخابات بعدی یعنی دوره دوم نیز رای لازم را برای پیروزی بر رقبا از مردم کسب می‌کند و کنترل دولت را بدست می‌گیرد.

ولی از اواسط دوره دوم ریاست جمهوری (پس از شش سال) مقبولیت و یا مشروعیت جریان سیاسی حاکم در بین مردم بتدریج شروع به کاهش و سقوط می‌نماید. بدلائل فرضی مختلف نظیر: ناتوانی در اداره امور کشور و ناامیدی شهروندان از کفایت دولت و جریان حاکم در انجام وظایف خود، خطای سیاسی، بروز عوامل و شرایط ناخواسته، کاهش سطح وفاداریهای اطرافیان معتدل تر و حسابگر که مطمئنند رئیس‌جمهور بدلیل محدودیت قانونی در قدرت نخواهد ماند، جریان گرایی و توجه به منافع نیروهای وفادار و جریان سیاسی وابسته در برابر منافع عموم ملت، و عدم توجه به منافع، اولویتها و مصالح ملت و کشور در تخصیص منابع و امکانات ملی.

شبکه وفاداری‌های ایجاد شده، رئیس‌جمهور را در قدرت حفظ می‌کند. رئیس‌جمهور و شبکه اطراف او، رسانه‌ها و مراکز قدرت سیاسی، اقتصادی، مالی، فرهنگی و غیره را در اختیار دارد (توضیح: رسانه‌ها عمدتاً

ماهیت سیاسی دارند و اهداف بازیگران سیاسی اعم از رسمی و غیر رسمی را برای شکل دادن به افکار عمومی در راستای منویات آنها دنبال می کنند). گاهی اوقات این شبکه قدرت در طول ۸ سال مستحکم شده و حامیان رئیس جمهور طالب آند تا او به ریاست جمهوری خود بیش از دو دوره ادامه دهد و در قدرت بماند. اگر منع قانونی نبود، شاید حضور یک رئیس جمهور در پست خود ابدی و مادام العمر می شد.

(توضیح: پایداری قدرت بستگی به طول عمر بقای قدرت دارد. هر چقدر طول عمر قدرت بیشتر باشد، شبکه وفاداران پشتیبان قدرت گسترده تر و قوی تر می شود، و پایداری خود قدرت افزایش یافته و قدرت قطبی می شود. که خودش عامل تداوم بقای خودش می شود).

با توجه به محدودیت قانونی ۸ ساله، رئیس جمهور و شبکه سیاسی وابسته به او که تصور میکنند همچنان از مقبولیت نزد شهروندان برخوردارند با معرفی و وارد میدان کردن یکی از چهره های سیاسی همفکر و موثر در شبکه قدرت وابسته به خود در انتخابات ریاست جمهوری آینده و پیش رو، سعی بر بقای در قدرت و فرمانروایی خود بر شهروندان را دارند. غافل از اینکه در اثر سوء و یا ضعف مدیریت و عملکرد او و شبکه سیاسی وابسته، و نیز حساسیت شهروندان نسبت به احتمال رجحان منافع وفاداران حزبی بر منافع ملت، از اواسط دوره دوم ریاست جمهوری (حدود شش سال کنترل قدرت) مقبولیت و مشروعیت سیاسی و صلاحیت کارکردی رئیس جمهوری و جریان سیاسی مربوطه نزد شهروندان بتدریج سقوط می کند و شهروندان اقبالی نسبت به انتخاب مجدد آنان ندارند. از اینرو در انتخابات بعدی مردم به فرد دیگری و عمدتاً از جریان سیاسی رقیب رای می دهند. این در حالی است که شبکه وفادار به جریان شکست خورده با بهره گیری از رسانه ها و سایر نهادهای قدرتمدار تولید شده در دوره حاکمیت، سعی می کند شکست خود را انکار نموده و خود را دارای مقبولیت در جامعه نشان دهد. البته این امر دور از انتظار نیست و از طبیعت و سرشت فرآیند منازعه سیاسی برای سلطه بر ارکان قدرت جامعه ناشی می شود.

(توضیح: در وفاداریهای حزبی معمولاً منافع شخصی و گروهی ارجحیت دارد. در وفاداریهای صنفی، منافع صنف موضوعیت دارد. در وفاداریهای ملی و منطقه ای به ترتیب منافع ملی و منافع منطقه ای مورد توجه است. البته گاهی اوقات ممکن است در وفاداریهای حزبی و صنفی، منافع ملی نیز در اولویت قرار گیرد).

برداشت و فهمی از صورت و سیرت دولتها پس از انقلاب اسلامی

تاریخ تحولات سیاسی بعد از انقلاب اسلامی نشان داده که هر دولتی با عملکرد خود شخصیت سیاسی و هویت کارکردی دولت بعدی را شکل داده و آنرا تولید نموده است.

- انقباض اقتصادی ایجاد شده در دولت آقای میرحسین موسوی عمدتا متأثر از شرایط جنگ، انبساط اقتصادی دولت آقای هاشمی رفسنجانی را در پی داشت.
- انبساط اقتصادی و بی توجهی به انبساط سیاسی در دولت آقای هاشمی رفسنجانی، انبساط سیاسی دولت آقای خاتمی را در پی داشت.
- تک سو نگری توسعه ای یعنی انبساط اقتصادی دولت آقای هاشمی رفسنجانی و انبساط سیاسی دولت آقای خاتمی منجر به تولد یک جامعه طبقاتی، و غفلت از فقرا و مستمندان در ایران شد. این دولتها عمدتا مطلوب طبقه رانتیر و اشراف اقتصادی و اجتماعی نو ظهور بودند. خروجی این تفکر و اقدامات این دولت‌ها، تفکر "مردمی از جنس مردم" را در پی داشت که منجر به پیروزی آقای احمدی نژاد در انتخابات ریاست جمهوری در سال ۱۳۸۴ شد.
- در دولت آقای احمدی نژاد، انقباض سیاسی و بحران اقتصادی ایجاد شد. احساس بی عدالتی اجتماعی و تضاد طبقاتی همچنان وجود داشت. در این دولت سیاست خارجی نامتناسب در پیش گرفته شد. فشار خارجی بر کشور افزایش یافت. اقتصاد کشور شدیداً بحرانی شد و فشار بر مردم سنگین و غیر قابل تحمل گردید و سیاست خارجی دولت آقای احمدی نژاد مسئول نابسامانیهای کشور تشخیص داده شد. خروجی این وضع در جامعه ایران، ظهور آرمان تعادل سیاسی در بعد داخلی و تنش زدایی و تعامل با سیستم بین المللی و حتی دنیای غرب در بعد خارجی بود، که به پیروزی دولت آقای روحانی انجامید. راه برون رفت از بحران در ایران تعدیل و اصلاح سیاست خارجی کشور بویژه در رابطه با غرب و سیاست اتمی ایران شناخته شد. انتظارات اجتماعی از دولت آقای روحانی برای حل مسئله سیاست خارجی پس از انتخاب شدن افزایش یافت. از این رو حرکت موثر آقای روحانی در سفر به نیویورک و شرکت و سخنرانی در مجمع عمومی سازمان ملل متحد و ارتباط تلفنی با رئیس جمهوری آمریکا پس از ۳۴ سال قطع ارتباط مقامات دو کشور، در رسانه ها و فضای مجازی و شبکه های اجتماعی فصلی نو در حل مسائل کشور تلقی گردید. آقای ظریف نیز به عنوان وزیر امور خارجه دولت، در آن موقع در کسوت یک قهرمان ملی با پر طرفدارترین صفحه فیس بوکش ظاهر گردید.

- حال باید منتظر آینده بود و دید که دولت آقای روحانی با سیاستها و کارکردهایش چه ماهیتی از خود را به نمایش خواهد گذاشت و چه نوع دولتی را برای بعد از دوره حاکمیت خود شالوده ریزی خواهد کرد.

hafeznia.ir